

## Manifestations of the Community of Cause and Steward in Judicial Procedure in Terms of Islamic Penal Code 1370 and 1392

Seyedreza Hoseini<sup>1</sup>, Seyyed Hossein Hashemi<sup>2\*</sup>, Ahmad Haji Deh Abadi<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Associate Professor and Faculty Member of Law at Mofid University, Qom, Iran.

3. Associate Professor and Faculty Member of Farabi Campus University, University of Tehran, Tehran, Iran.



### Article Type:

Original Research

Pages: 261-291

Received: 2023 August 06

Revised: 2023 May 30

Accepted: 2023 December 24

### Abstract

Committing a crime may happen with the help of a supervisor, or with the help of an agent, or the association of a cause and an agent, and the level of responsibility of the perpetrators is of great importance in jurisprudence and criminal law. From the point of view of jurists, in the society of the cause and the steward, the principle is the responsibility of the steward, and the issue of legitimacy is raised, which the Islamic Penal Code of 1370 is based on. Is located. In the Islamic Penal Code of 1370, in the association between the cause and the guardian, the guardian was the guarantor unless the cause was strong. or share and the issue of distribution of responsibility was brought up and the legislator in 1370 in the discussion of the community of cause and effect easily disagreed with the opinion of the famous jurists and ignored the issue of legality on which there was even a claim of consensus among the jurists, which showed signs of changes in the procedure. We consider judicially.

**Keywords:** The cause, The association of the cause and the steward, The stronger cause than the steward, Distributive responsibility, Relative guarantee



## جلوه‌هایی از اجتماع سبب و قضایی با توجه به قانون مجازات مباشر در رویه اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲

سید رضا حسینی<sup>۱\*</sup>، سیدحسین هاشمی<sup>۲</sup>، احمد حاجی ده آبادی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، کیفر و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم ایران.

۲. دانشیار و عضو هیات علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، قم، ایران.

۳. دانشیار و عضو هیات علمی، دانشگاه پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران.



### چکیده

ارتکاب جرم ممکن است به مباشرت یا به تسبیب یا با اجتماع اسباب یا اجتماع سبب و مباشر رخ دهد که میزان مسوولیت مرتکبان در فقه و حقوق کیفری از اهمیت بالایی برخوردار است. از نظر فقها در اجتماع سبب و مباشر اصل بر مسوولیت مباشر بوده و بحث اقوانیت مطرح است که قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ بر پایه آن استوار می‌باشد ولی این موضوع با نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تحت الشعاع قرار گرفته است و ضمان نسبی مورد توجه قانونگذار واقع شده است. در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ در اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن بود مگر آنکه سبب اقوی باشد که این ماده در سال ۱۳۹۲ دچار تحولات اساسی شد و اصل استناد جنایت به مباشر حذف و در صورت امکان استناد هم زمان جنایت به سبب و مباشر ضامن نسبی یا سهمی و بحث توزیع مسوولیت مطرح شد و قانونگذار در سال ۱۳۹۲ در بحث اجتماع سبب و مباشر به راحتی با نظر مشهور فقها مخالفت نموده و بحث اقوانیت را که حتی روی آن ادعای اجماع بین فقها بود نادیده انگاشت که جلوه‌هایی از تغییرات را در رویه قضایی ملاحظه می‌کنیم.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۶۱-۲۹۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

تاریخ بازنگری: --/--/۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴



**واژگان کلیدی:** سبب، اجتماع سبب و مباشر، سبب اقوی از مباشر، مسوولیت توزیعی، ضمان

نسبی



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

## درآمد

یکی از اصول پذیرفته شده در حقوق کیفری تمام کشورها عنصر قانونی بودن جرم و مجازات است به این شرح که تا برای فعل یا ترک فعلی در قانون، مجازات تعیین نشده باشد نمی توان مرتکب آن را مجرم تلقی کرد و مورد کیفر قرار داد. حال این فعل مجرمانه ممکن است به مباشرت یا به تسبیب یا با اجتماع اسباب یا اجتماع سبب و مباشر ارتکاب یابد در این تحقیق پاسخ می دهیم که مسوولیت در رویه قضایی در اجتماع سبب و مباشر طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ چگونه است. از نظر فقها در بحث اجتماع سبب و مباشر بحث اقوائیت مطرح است و قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ در ماده ۳۶۳ بیان می دارد که در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد لذا اصل بر مسوولیت مباشر است و اگر مباشر اقوی یا برابر سبب باشد مباشر ضامن است ولی در صورت اقوی بودن سبب، سبب ضامن است. اما در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ چنین بیان شده است: هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تاثیر داشته باشند عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشند مگر تاثیر رفتار مرتکب آن متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تاثیر رفتارشان مسئول هستند. لذا طبق قانون ۱۳۹۲ کسی ضامن است که جنایت مستند به او باشد و اگر جنایت هم به سبب و هم به مباشر استناد داشت هر دو به میزان تاثیر رفتارشان ضامن هستند و اگر میزان تاثیرشان معلوم نبوده و یا یکسان باشد به میزان مساوی ضامن هستند. در این تحقیق که به روش کتابخانه ای، تحلیلی است ابتدا به بحث اصل ضمان مباشر و اقوائیت در قانون ۱۳۷۰ و تحلیل رویه قضایی در آن پرداخته و سپس به بحث استناد جنایت به سبب و مباشر و ضمان توزیعی طبق قانون ۱۳۹۲ و تحلیل آن می پردازیم و در آخر به مقایسه و نتیجه گیری می پردازیم.

### ۱- اصل ضمان مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و رویه قضایی

ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ مقرر می دارد: در صورت اجتماع سبب و مباشر در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد. طبق مواد ۳۳۲ قانون مدنی و ماده ۲۴ قانون دیات سال ۱۳۶۱ و ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ اصل بر مسوولیت مباشر است و اگر در وقوع تلف هم مباشر و هم سبب نقش داشته باشد اصل بر مسوولیت مباشر است و سبب در صورتی ضامن است که اقوی از مباشر باشد لذا اگر مباشر اقوی یا برابر با سبب باشد مباشر ضامن است. بنابراین در قانون ۱۳۷۰ در اجتماع سبب و مباشر اصل بر مسوولیت مباشر است.

به عنوان مثال اگر کسی آتشی روشن کند سبب و دیگری شخص سوم را در آتش بیندازد مباشر یا کسی چاهی بکند سبب و دیگری شخص سوم را در چاه بیندازد مباشر، در این جا مباشر ضامن است و سبب ضامن نیست.<sup>۱</sup>

#### ۱-۱- عبارت فقها

در عبارت فقها نیز اصل بر مسوولیت مباشر است به طوری که امام خمینی در تحریر الوسیله آورده است که: اذا اجتمع السبب و المباشر، فمع مساواتهما او كان المباشر اقوی ضمن المباشر كما اجتماع الدافع و الحاف.<sup>۲</sup>

به این معنا که در صورت اجتماع سبب و مباشر در صورتیکه مباشر اقوی باشد یا سبب و مباشر تاثیر شان برابر باشد اصل بر مسوولیت مباشر است مانند اینکه کسی چاهی بکند سبب و دیگری شخص سوم را در آن بیندازد مباشر.

صاحب جواهر در این رابطه می فرماید مباشر بر سبب مقدم است و من هیچ اختلافی در این

۱. هاشمی سید حسین مقاله تسبیب چاپ شده در دایره المعارف علوم جنایی زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

۲. خمینی سید روح الله تحریر الوسیله جلد دوم مکتبه اعتماد قم ج ۴ ۱۴۰۳- ص ۵۱۹- مساله ۱

مورد نیافته‌ام<sup>۱</sup> برخی فقها در این مسئله مانند مسلمات برخورد کرده اند. مرحوم بجنوردی در این خصوص مباشر را ضامن می داند و نیز ادعای اجماع بر این موضوع می نماید و آن را از مسلمات می شمارد<sup>۲</sup>.

## ۱-۲- اجتماع سبب و مباشر و چگونگی استناد به آنها

در صورتی که سبب و مباشر در جنایت دخیل باشند چند حالت قابل بررسی است: الف: به طور کلی در اجتماع سبب و مباشر در وقوع جنایت برای تعیین مسوولیت آنها قاعده کلی این است که مسوولیت کیفری و ضمان بر عهده مباشر است که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی و نیز در قانون مدنی متذکر آن شده است. بنابراین اگر کسی چاهی بکند و دیگری شخص ثالثی را در آن بیندازد در این صورت دافع، مباشر و ضامن و مسوول است در مورد فوق مسوولیت جنایی بر عهده مباشر است نه مسبب. زیرا مباشر از شرایط قوی برخوردار بوده و ضامن است و ضمانی متوجه سبب نیست به این مفهوم که رابطه علیت مباشر و نتیجه قوی تر از رابطه میان سبب و نتیجه است پس اگر مباشر و سبب باهم اجتماع کند و مباشر قوی تر از سبب باشد مباشر مسوول جرم است.

### ب: اقوی بودن سبب از مباشر

از حالتی که در صورت همراهی مباشر با سبب مطرح شده است مواردی است که سبب قوی تر از مباشر است به این صورت که مباشر در پیدایش جنایت به قدری ضعیف است که نمی توان فعل مباشرت را به او نسبت داد و مباشر بیشتر در حکم آلت و وسیله و ابزار عامل قهری بیرونی قرار می گیرد و فعل موجب جنایت به آن عامل مسبب مستند می شود و سبب ضامن است نه مباشر، که این حالات شامل کودک یا مجنون بودن مباشر، جهل مباشر، اکراه مباشر، اجبار مباشر می باشد.

۱. نجفی محمدحسن جواهر الکلام ج ۳۷ - ص ۵۴

۲. بجنوردی سید میرزا القواعد الفقهیه ج ۲ - ص ۲۴

### ج: تساوی مباشر و سبب

گاه جمع مباشر و سبب در پیدایش جنایت به صورتی است که هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد و هیچ یک از رابطه قوی تر در علیت با نتیجه برخوردار نمی باشد و هر دو در عرض یکدیگرند نه در طول یکدیگر در این صورت که مباشر و سبب از نظر قوت یکسان هستند طبق قانون ۱۳۷۰ که برگرفته از فقه هست همچنان مباشر ضامن است و این نظر مشهور فقها می باشد هر چند عدالت حکم می کند که در صورت وحدت قصد و تبانی آن دو در ایجاد پدیده مجرمانه و با استناد جنایت به آنها مسئولیت را بر عهده هر دو دانست.

### ۳-۱- جلوه ای از قانون سال ۱۳۷۰ در اجتماع سبب و مباشر در رویه قضایی

#### و تحلیل آن

#### ۳-۱-۱- اقتضای اصالت مسوولیت مباشر در رویه قضایی

در این بند به جلوه ای از رویه قضایی بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ می پردازیم. آقای م- در این پرونده متهم است به تسبیب در قتل آقای ر-خ به این شرح که در روز حادثه متهم از مقتول می خواهد که برای درآوردن سیم دینام موتور آب که به داخل چاه افتاده به محل چاه در منزل وی (ر) برود مقتول وارد چاه می شود و پس از چند لحظه فریاد میزند خفه شدم من را نجات دهید و سپس به داخل آب سقوط نموده و خفه می شود بنا بر اظهار شهود ساعتی قبل از حادثه متهم شخص دیگری به نام الف را جهت درآوردن سیم به درون چاه فرستاده بوده است الف اظهار می دارد که من پس از چند لحظه احساس خفگی کردم و خود را به زحمت بالا کشیدم و خواستم که دستم را بگیرند و با حالت تنگی نفس و بی حس شدن، پای خود را به زحمت از چاه بیرون آوردم و به متهم گفتم که چاه تو گاز دارد مبادا کسی را داخل آن بفرستی متهم مدعی است مقتول قبلاً نزدیک ده بار وارد این چاه شده بود و این دفعه اول نبوده که وارد این چاه می شود

. بازرسین اداره کار نظر می دهند که براساس آیین نامه مقررات حفاظتی حفر چاههای دستی، هر مرتبه که مقنی وارد چاه می شود باید آزمایش لازم جهت تشخیص گاز سمی و کمبود اکسیژن به عمل آید تا در صورت کمبود اکسیژن نسبت به تهیه وسایل هوادهی اقدام شود و لازم است کارگر هنگام ورود به چاه از کمربند و طناب نجات استفاده نماید و همچنین وجود علائم قراردادی، بین مقنی و یک فرد بالای چاه ضروری است تا در صورت بروز هرگونه خطری نسبت به بیرون کشیدن وی اقدام گردد.

بنابراین مواد ۲۴، ۲۵، ۵۸، ۷۸ آیین نامه مربوطه رعایت نشده است. علاوه بر اینکه با توجه به نزدیک بودن چاه فاضلاب احتمال وجود گاز سمی داده می شده است و کیفرخواست مربوطه که آقای (ر) به تسبیب در قتل، متهم شده است و به ماده ۹۱ قانون کار نیز اشاره شده است. دادگاه با استناد به تبصره ۳ ماده ۲۹۵ و ماده ۳۱۸ قانون مجازات اسلامی متهم را به تسبیب در قتل به علت بی احتیاطی در عدم تهیه وسایل و امکانات حفاظت فنی محکوم نموده است و مجازات وی را یک فقره دیه کامل مرد مسلمان قرار می دهد. حکم مزبور مورد اعتراض قرار گرفته و به دیوان عالی کشور ارجاع می شود. دیوان اعلام می دارد بررسی حادثه مزبور نشان می دهد که از مصادیق اجتماع سبب و مباشر است نه تسبیب محض. بنابراین صرف اثبات بی احتیاطی متهم (سبب حادثه) نمی تواند دلیلی بر ضمان وی باشد. زیرا به موجب ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی در صورت اجتماع سبب و مباشر در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد در چنین مواردی اگر سبب و مباشر هر دو مرتکب بی احتیاطی شده باشند به دلیل اقوی بودن مباشر از سبب به موجب ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مباشر، ضامن خواهد بود.

### ۳-۱-۲- تحلیل رای مذکور طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

ملاحظه می گردد که در پرونده مذکور بنا بر گزارش نیروی انتظامی مقتول اگرچه

مقنی نبوده ولی دست به هرکاری می زده و قبلاً نیز داخل چاه شده بوده است و با توجه به شیوع گازگرفتگی در چاه ، احتمال خطر در حادثه امری دور از انتظار نبوده است بنابراین مقتضای قاعده کلی در چنین مواردی آن است که با توجه به بی احتیاطی خود مجنی علیه (مباشر) سبب را ضامن ندانیم ولی به نظر می رسد در این نظریه نکاتی حائز اهمیت است:

اول اینکه در پرونده یادشده خصوصیتی هست که ضامن را متوجه سبب می کند بنا به ادعای خود متهم و گزارش نیروی انتظامی مقتول بارها وارد چاه شده بود و با توجه به اینکه چاه مزبور چاه آب بوده نه فاضلاب احتمال وجود گاز در نظر مقتول بسیار بعید بوده است. از سوی دیگر متهم با توجه به حادثه ای که ساعتی قبل برای مقنی دیگر (الف) رخ داده بود علم به وجود گاز در چاه وجود داشته است ولی علی رغم آنکه از مقتول خواسته که وارد چاه شود به عبارتی او را مغرور نموده یعنی احتمال بسیار اندک از سوی مقتول و علم متهم به وجود گاز کفه تقصیر را به زیان متهم بالا می برد و به راحتی می توان ادعا نمود که عنوان مغرور نمودن بر عمل وی صادق باشد و غرور از عواملی است که سبب را اقوی از مباشر می کند بنابراین در تحلیل نهایی می توان سبب را در این حادثه ضامن دانست. دوم اینکه اثبات تقصیر کارفرما از سهولت بیشتری برخوردار است زیرا قانون، تهیه وسایل و رعایت مقررات حفاظتی را به عهده کارفرما گذاشته است و ادعای جهل به وظایف مذکور قابل استماع نمی باشد ولی در مورد کارگر، علم و اطلاع او امری مفروض نیست و فقط در صورتی که ثابت شود وی از مسائل ایمنی مطلع بوده و آن را رعایت نکرده است می توان وی را بی احتیاط تلقی کرد. بنابراین در موارد مشابه پرونده مذکور هر چند مورد از موارد اجتماع سبب و مباشر است به سادگی طبق قانون سال ۱۳۷۰ مسوولیت سبب نادیده گرفته شده و با اسم مسوولیت مباشر سبب مبرا از مسوولیت شناخته شده است.

## ۲- ضمان سهمی و مسوولیت توزیعی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و رویه قضایی

ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ چنین اشعار می دارد: هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تاثیر داشته باشند عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشند. اگر تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تاثیر رفتارشان مسوول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن ها باشد فقط سبب ضامن است. ملاحظه می گردد که قانونگذار در سال ۱۳۹۲ در صورتیکه در جمع سبب و مباشر جنایت به هر دو مستند باشد هر دو را به طور مساوی ضامن دانسته است. لذا از این اصل فقهی که اصل بر ضمان مباشر است فاصله گرفته و ضمان سهمی و مسوولیت توزیعی را پذیرفته است.

### ۲-۱- عبارت فقها

هر چند فقها اصل را بر ضمان مباشر دانسته اند و مشهور فقها بر این نظر استوار می باشند که در صورت اجتماع سبب و مباشر، اصل بر ضمان مباشر است مگر اینکه سبب اقوی باشد ولی برخی فقها در این نظریه مناقشه کرده اند. در این باره آیت الله خویی می نویسد: «علی ای حال در صورتی که دو عامل در ایجاد نتیجه مجرمانه به نحو مباشرت و تسبیب با هم اجتماع نمایند در صورتی که تأثیر این دو در نتیجه مساوی باشد به نحوی که هیچیک از دیگری قوی تر نباشند در این حالت قائل به مسوولیت هر دو شده اند مانند حافر چاه در غیر ملک خود و دافع یا پرتاب کننده به آن مبتنی بر ضمان حافر می فرمایند اگرچه مشهور ضمان را بر حافر دانسته اند ولی بعید نیست که هر دو مسئول باشند.»

## ۲-۲- اجتماع سبب و مباشر و چگونگی استناد به آنها

در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بر خلاف نظر قریب به اتفاق فقها در جمع سبب و مباشر در صورتیکه سبب و مباشر تاثیرشان مساوی باشد هر دو را ضامن دانسته است. یکی از نوآوری های قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ پذیرش ضمان نسبی در اجتماع سبب و مباشر است به این شرط که اگر جنایت در اجتماع سبب و مباشر به یکی از ایشان مستند باشد فقط عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است ولی اگر جنایت مستند به همه عوامل باشد در صورت تساوی تاثیر هر دو به نسبت مساوی مسوول هستند اما اگر جنایت به همه عوامل مستند باشد و میزان تأثیر عوامل در وقوع جنایت متفاوت باشد به نسبت میزان تاثیرشان مسوول هستند.

مقنن بدون توجه به ادعای اجماع فقها به شدت خود را به عرف نزدیک کرده است و کلیه موارد اجتماع سبب و مباشر حتی موردی که سبب و مباشر در طول هم هستند را با حکم واحد روبرو ساخته است.

با نظر داشتن اقوال فقها به نظر می‌رسد که مقنن در وضع ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی به اوضاع و احوال توجه داشته و استناد به استفتائاتی از فقهای معاصر نموده است.

نگارنده در استفتائی از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی که متن سوال و پاسخ در ضمیمه آورده شده است نظرایشان را در خصوص ضمان نسبی در اجتماع سبب و مباشر جویا شده است که ایشان در پاسخ اظهار داشته اند که از نظر ما ضمان نسبی امری صحیح است هر چند بسیاری از فقها، نامی از آن نبرده اند (ناصر مکارم شیرازی ۱۰۴، ۱۳۹۷).

ملاحظه گردید ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و مسؤلیت توزیعی در نظر فقهای جدید دارای جایگاه بوده و اگر میزان تاثیر عاملان متفاوت باشد حسب میزان تاثیرشان مسوول هستند اگرچه قبلاً نیز دادگاه‌ها نظر کارشناسان را جلب و بر خلاف قانون

۱۳۷۰ گاه اقدام به صدوررای می نمودند ولی اکنون با وضع ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ برمسئولیت توزیعی و ضمان سهمی صحه گذاشته شده است.

### ۲-۳- جلوه ای از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در اجتماع سبب و مباشر در

#### رویه قضایی و تحلیل آن

#### ۱-۲-۳- انعکاس مسئولیت توزیعی در رویه قضایی

در این قسمت عین دادنامه شماره ۴۳۳-۹۹ که از شعبه دادگاه کیفری یک استان تهران که توسط نگارنده اصدار یافته است ملاحظه می نمایم که به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

در وقت فوق العاده شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران بتصدی امضاء کنندگان ذیل تشکیل است بتاريخ ۹۹/۹/۴ پرونده کلاسه ۹۵۰۱۰۳۵۰۱۰۶۷/۹۲۰۹۹۸۲۱۰۳۵۰۱۰۶۷ با شماره بایگانی ۹۸۰۰۶۴ تحت نظر است دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و پس از مشاوره با استعانت از خداوند متعال بشرح آتی مبادرت به اتخاذ تصمیم می نماید. گردشکار پرونده کلاسه ردیف فرعی ۱ با علت طرح تحقیقات مقدماتی نسبت به اتهامات تحریق عمدی و تخریب و قتل عمدی مسلمان و معاونت در قتل عمدی در دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۷ امور جنایی ویژه قتل تهران به تاریخ ۲۸/۱۱/۱۳۹۲ ثبت گردید و با شماره بایگانی ۹۲۱۱۰۰ به شعبه پنجم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۷ جنایی تهران ارجاع و طی شماره ۹۵۰۹۹۷۲۱۰۳۵۰۰۸۴۲ مورخ ۲۸/۰۷/۱۳۹۵ کسر از آمار و در تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۰۵ با ردیف فرعی ۲ در شعبه دوم بازپرسی ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۷ جنایی تهران ثبت سپس با صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست پرونده با ردیف فرعی ۳ در مجتمع دادگاههای کیفری یک تهران به تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۱۲ ثبت گردید و با شماره بایگانی ۹۶۰۱۵۵ به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک مجتمع دادگاههای کیفری تهران شعبه ۸۴ دادگاه کیفری استان سابق ارجاع شد

و طی شماره ۰۲۸۵/۰۹۹۷۲۶۱۷۷۰ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۹۷ رای صادر شد. متن رای بدین شرح است: گردشکار: برابر محتویات پرونده، متهم ردیف اول ابودرکه از دوستان آقای فرهاد است حسب اظهاراتش به آقای فرهاد سرمی زند تا اگر بشود کاری باهم دست و پا کنند. آقای فرهاد در خلال صحبت های خود از وضعیت خانوادگی، اینکه همسرش او را ترک کرده و بچه اش را گرفته اند و پدرزنش بچه را به وی نمی دهد و مانع ملاقات ایشان با فرزندش می شود، درد دل می کند. آقای ابودرکه تحت تاثیر حرفهای دوستش قرار می گیرد و طبق اظهاراتش از سرغیرت و دوستی تصمیم می گیرد کاری برای دوست خود انجام دهد. آقای فرهاد به وی پیشنهاد می کند لاستیک خودروی پدرزن آقای فرهاد را آتش بزنند تا از این طریق به پندار خود یک گوشمالی به وی بدهند. متهمان با خودروی آقای فرهاد به سمت سعادت آباد حرکت می کنند پس از زدن بنزین، طبق گفته ابودرکه، فرهاد دبه ای را که در صندوق عقب خودرویش داشته برمی دارد و آن را پراز بنزین می کند، ابودرکه به سعادت آباد برده خانه پدرزن خود را به ایشان نشان می دهد و مشخصات خودروی پدرزنش را که یک سمند سفید باشیشه دودی بوده است به ابودرکه می گوید و به بهانه اینکه در محل ممکن است وی را شناسایی کنند محل را ترک می کند و در ضمن ابودرکه در مورد نحوه ورود به پارکینگ ساختمان راهنمایی می کند و می گوید ساکنین درب پارکینگ را باریموت باز می کنند و او به هنگامیکه ساکنین ساختمان برای ورود یا خروج درب پارکینگ را باز می کنند، چون تا درب بسته شود مدتی طول می کشد می تواند پنهانی وارد پارکینگ شود و قصد خود را عملی کند. پس از رفتن فرهاد، ابودرکه پارکینگ را وارسی متوجه می شود خودروی مورد نظر داخل پارکینگ نیست، دبه حاوی بنزین را در خیابان اطراف ساختمان لای شمشادها پنهان می کند و به منزل خواهرش می رود. متهم ردیف دوم به اوزنگ می زند و نتیجه را جویا و وقتی مطلع می شود کاری نکرده است می گوید می دانستم توهم عرضه و جریزه این کار رانداری و دروغ می گویی، پس از این صحبتها قرار می شود ابودرکه دوباره به محل برود و لاستیک خودرو را آتش بزند

و پس از این اقدام متهم ردیف دوم او را در میدان کاج و در نزدیکی ساختمان مورد نظر سوار کند و به اتفاق به منزل ایشان بروند. ابوذر این بار مطابق راهنمایی های متهم ردیف دوم پس از رویت خودروی سمند مذکور وارد پارکینگ می شود. مقداری از بنزین را روی لاستیک خودرو می ریزد. با ریختن بنزین یک خط تادرب خروجی ایجاد و دیه بنزین را نیز زیر خودرو انداخته، می اید کنار درب خروجی و خطی را که با بنزین تا خودرو ایجاد کرده بوده با فندک آتش می زند و سپس با خودروی متهم ردیف دوم به منزل وی می روند. پس از اطلاع از دامنه جنایت و اینکه در اثر آتش سوزی افرادی کشته شده اند متهم ردیف اول متواری و ردیف دوم نیز که می خواسته به دنبال وی منزل را ترک و فرار کند دستگیر و در بازرسی منزل مشروب و اسپری نیز کشف می شود. دادسرای جنایی تهران در کیفرخواست صادره جنایت ارتكابی را در مورد ابوذر، قتل عمد و در خصوص فرهاد معاونت در قتل عمد تلقی و تعیین نموده است. در جلسه دادرسی عناوین اتهامی احصایی در کیفرخواست به متهمان تفهیم شده، دادگاه پس از تحقیقات تفصیلی در مورد عنوان جنایت ارتكابی به اختلاف نظر رسیده و پس از ضم مستشار دوم در اجرای ماده ۲۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری، عنوان اتهامی کیفرخواست اصلاح و تسبیب در قتل غیرعمد به متهمان تفهیم گردیده است. اولیای دم که تقاضای قصاص نموده بودند پس از تغییر عنوان اتهامی اظهار داشتند دیه مقتولین را مطالبه می کنند. آقای اسداله جعفری یکی از شکات در تشریح حادثه اظهار داشته؛ من با پسر امحد جعفری داخل منزل نشسته بودیم که صدای انفجار شدیدی آمد و پسرم در بالکن را باز کرد گفت حیاط آتش گرفته که من از ترس بیرون آمدم، درب ساختمان را باز کردم. دوده وارد شد. به سمت پله ها رفتیم. دست پسرم در دستم بود. به علت قطع شدن برق و تاریکی مطلق و دود شدید از پله ها سرخوردم و در طبقه اول متوقف شدم. پسرم فریاد کشید بلندشواما من دیگر چیزی متوجه نشدم در بیمارستان مدرس به هوش آمدم و بعد از انتقال به بیمارستان لقمان متوجه مرگ پسرم شدم. خودروی پرادوی من کنار سمند آقای مقصودی | پدر زن فرهاد

پارک بود که کاملاً از بین رفته است. ضمناً من از مراجعات مکرر داماد آقای مقصودی و شعارهایی راکه می نوشت و روی درب ورودی می چسباند مطلع هستم، آقای فرهاد پس از دستگیری در اولین تحقیقات در مرجع انتظامی اظهار داشته: با توجه به آشنایی قبلی با ابوذر بدلیل اختلافاتی که با خانواده همسرم داشتم و دو سال از فرزند چهار ساله ام بی خبر بودم، ابوذر از این موضوع مطلع بوده به اتفاق ایشان بیرون رفتیم، در مسیر بنزین زدیم. ابوذر یک گالن نیز پیر از بنزین کرد داخل صندوق عقب گذاشت. گفت می خواهد ماشین پدر همسرم را آتش بزند پسرم را بگیرد. به سمت سعادت آباد رفتیم. من سری به درب منزل آنان زدم ابوذر پرسید ماشین پدر همسرت چیست گفتم سمنند سفید باشیسه دودی پدر همسرم منزل نبودند. چون با کسی قرار ملاقات داشتم از ابوذر جدا شدم آمدم بامیهمانم در منزل بودیم پس از شام او را رساندم حوالی ساعت ۹ الی ۹/۳۰ شب بود که ابوذر تماس گرفت گفت گوش کن، من از پشت موبایل صدای امبولانس و آتش نشانی را شنیدم که گفت ماشین پدر همسرت را آتش زد. گفت شب می آیم منزل شما و امد پرسیدم چی شد؟ گفت رفتم درب پارکینگ منزل پدر همسرت وقتی ماشینی جهت خروج درب پارکینگ را باز کرد وارد شدم. ماشین سمنند سفید رنگ باشیسه دودی را در پارکینگ طبقه دوم دیدم. بنزین را زیرباک ریختم مقداری نیز روی زمین به سمت درب خروجی ریختم. گالن بنزین را زیربک گذاشتم و فنک زد که سمنند درجا آتش گرفت از منزل خارج شدم من نگران شدم نکند ماشین دیگری نیز آسیب دیده باشد. در این حین همسر دوستم که یک خیابان بالاتر زندگی می کند تماس گرفت گفت خانه پدر همسرت آتش گرفته، یک ماشین سوخته و می گویند دونفر هم فوت شده است، ابوذر که حرفهای ما را شنید گفت دیگر صلاح نیست اینجا بمانیم. من دم درب منزل منتظر هستم توهم بیا برویم. هنگام خروج من دستگیر شده و ایشان فرار کرد بنده جهت این کار هیچگونه پیشنهاد پول و مطالبی نکردم. چون دختر برادرم نیز در همان آپارتمان زندگی می کند بخاطر او هم که شده قصد ضرر و آسیب رانداشتم. ابوذر با حماقت و نادانی خودش قصد

کمک کردن به بنده راداشته. من فقط به قصد دردل با ایشان مشکلم را بیان کردم نه به قصد آسیب، هر چند که از خانواده همسر من دل خوشی نداشتم و راضی به آسیب زدن به ایشان و دیگران نبوده وگرنه دوسال دوری و بی خبری را تحمل نمی کردم متهم در ادامه تحقیقات اظهار داشته: ابوذرگالنی را پراز بنزین کرد وگفت می خواهد ماشین پدرزنت را آتش بزنم وپسرت را بگیرم و من هم که دل خوشی از آنان نداشتم به درب منزل آنان رفتیم که حضور نداشتند.... گالن خالی وایتکس بود که جهت خرید بنزین یا تهیه آب داخل صندوق عقب بود که ابوذر آن را پراز بنزین کرد و داخل صندوق انداخت « ص ۱۲ تا ۱۴ آقای حسن مقصودی پدر زن فرهاد اظهار داشته: فرهاد به کرات به درب منزل آنان مراجعه و آنها را تهدید می کرده است » (ص ۲۳. فرهاد در اولین تحقیقات بازپرسی نیز اظهارات بالا را تکرار کرده است ص ۳۱ - ۳۲. حسب صورتجلسه بررسی صحنه آتش سوزی حادثه در یک مجتمع مسکونی بیست واحدی بوده و کانون آن در پارکینگ منفی یک واز یک خودروی احتمالاً تویوتا، پرادو یا سمند بوده که موجب از بین رفتن تویوتا و سمند و خسارت به خودروهای دیگری شده که در پارکینگ بوده است. سقف پارکینگ خسارت دیده و تمام راه پله ها و راهروها تا درب پشت بام کاملاً دوده گرفته بوده ولی به داخل واحدها آسیب نرسیده و سه نفر فوت نموده اند. ص ۴۶. عکسهایی نیز از صحنه آتش سوزی گرفته شده و ضم پرونده گردیده است. فرهاد در حین خروج از منزلش اقدام به فرار نموده و توسط مامورین که منزل وی را کنترل می کرده اند در مورخه ۲۷/۱۱/۹۲ شناسایی و دستگیر شده است. (ص ۲۰۶). متهم دیگر به هویت ابوذر در مورخه ۲۱/۱۲/۲ توسط مامورین شناسایی و دستگیر گردیده است (۳۰۸) و پس از جلب در اولین تحقیقات که پاسخ سوالات را با دست خط خود نوشته اظهار داشت: «

روز قبل از حادثه پیش فرهاد رفته تا ببینید پیش وی می تواند کاری رادست و پا کند یا نه، وقتی صحبت‌های وی در مورد دوری از بچه اش را شنیده بخاطر رفاقتش گفته حاضر است به وی کمک کند. فرهاد تصمیم گرفته کمی پدرزنتش را بترساند تا شاید بچه

اش را به او برگرداند از خانه فرهاد بیرون رفته به سمت سعادت آباد راه افتاده اند. فرهاد پیشنهاد کرده لاستیک خودروی پدر زنش را آتش بزنند. در پمپ بنزین خیابان بزرگراه چمران، فرهاد قبل از پرکردن باک خودرو به وی گفته یک گالن سرکه عقب خودرو هست آن رابیاور تا پرکنیم سپس فرهاد وی را به سعادت آباد برده و خانه پدر زنش را به ایشان نشان داده، گفته ماشین پدر زنش یک سمند سفید با شیشه دودی است و داخل پارکینگ است برو لاستیکش را آتش بزن. او نیز از روی تعصب یا غیرت و رفاقت بدون دریافت هیچ مبلغ یا قولی پذیرفته این کار را بکند. آن شب از بغل درب پارکینگ نگاه کرده دیده ماشین آنجا نیست گذاشته رفته خانه خواهرش و گالن بنزین را در خیابان در میان شمشادها گذاشته منصرف شده و فردای آن روز فرهاد پیامکی زده گفته می دانستم توهم نمی توانی سپس چند بار تماس گرفته و او هم مجاب شده، دوباره به کوچه محل سکونت پدر زن فرهاد رفته و با فرهاد تماس گرفته تا بعد از انجام کار به دنبالش بیاید ولی فرهاد گفته او را می شناسند و اگر در آنجا کسی ببیند شک می کند. ابوذر حوالی ساعت نه به داخل پارکینگ رفته، فرهاد به ایشان گفته بود که چون درب پارکینگ اتومات است وقتی یکی از ساکنین از پارکینگ خارج شد می تواند براحتی داخل شود. متهم ابتدا کمی از بنزین راروی لاستیک ریخته، چون هول کرده بوده گالن را زیر ماشین پرت کرده، کمی از بنزین را هم کنار درب ورودی ریخته تا آنجا را آتش بزند و بافندک بنزین را آتش زده است. از آنجا فرار کرده، وقتی سرکوچه رسیده بافرهاد تماس گرفته، فرهاد او را در میدان کاج سوار کرده باهم به خانه فرهاد رفته اند. دو سه ساعتی آنجا بوده اند که یکی از همسایه های پدر زن فرهاد که بافرهاد دوست بوده زنگ زده و گفته اتفاق بدی افتاده است» (ص ۳۱۰ تا ۳۱۳). ( ابوذر همین اظهارات را در پاسخ سوالات باز پرس نوشته است (ص ۳۱۶ - ۳۱۹) )

لیکن در دادگاه با تکذیب ادعا و اظهارات فرهاد گفته گالن را خود فرهاد با بنزین پر کرده و پس از انصراف او باگفتن اینکه می دانستم توهم عرضه اش راننداری ایشان را وادار به این کار کرده فقط در موقع آتش زدن برای آنکه شناخته نشود آنجا نبوده، اما منتظروی بوده

تأسیسات تمام کارسوارش کند و در میدان کاج در نزدیک ساختمان محل حادثه وی را سوار کرده است نحوه ورود به پارکینگ و مشخصات خودرو را هم فرهاد در اختیارش گذاشته و پس از آتش زدن خودرو او را به منزل خود برده است. حسب نظر سازمان آتش نشانی علت حریق عمدی و ناشی از ریختن مایعات قابل اشتعال بر روی خودروی سمند سفید رنگ به شماره ۹۳۸ م ۶۴ ایران ۲۲ بوده است که در مجاورت رمپ ورودی پارکینگ طبقه منفی یک قرار داشته و مشتعل نمودن آن منجر به شعله وری و انفجار خودروی مذکور شده و سپس به خودروهای مجاور سرایت نموده است. دود حاصل از حریق به علت دود بند نبودن پلکان به راه پله طبقات فوقانی، آسانسور و زیرزمین منفی ۲ نفوذ و منجر به دود زدگی و مسمومیت و فوت تعدادی از ساکنین ساختمان گردیده است. پدر زن فرهاد در طول تحقیقات به مراجعات و تهدیدهای مکرر دامادش و اینکه زندگی وی را به آتش خواهد کشید اشاره نموده است. پزشکی قانونی علت فوت هر سه مقتول را مسمومیت با گاز منواکسید کربن دانسته است. شرح معاینه اجساد در صفحات ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۳۹۷، ۲۹۸، ۴۰۰ و نظریه پزشکی قانونی در تعیین علت مرگ معصومه رضایی درص ۳۹۴، احد جعفری درص ۳۹۷ و سونا بخشی جرده درص ۴۰۰ پرونده مندرج است. تصاویر صحنه سوختن خودروها و پارکینگ درص ۳۸-۴۷، گزارش بررسی صحنه حریق درص ۴۶ منعکس می باشد آتش سوزی در یک مجتمع مسکونی بیست واحدی در منطقه سعادت آباد تهران رخ داده و منشاء آن پارکینگ منفی یک مجتمع بوده است که موجب فوت تعدادی از ساکنین و خسارت به خودروی آنها و ساختمان گردیده است و پرونده بخشی از جنایات متهمان به دلیل عدم تکمیل در دادسرا همچنان مفتوح است: دادگاه باتوجه به مراتب بالا ختم رسیدگی را اعلام و پس از مشاوره مبادرت به انشاء رای مبتنی بر نظر اکثریت هیات قضایی دادگاه می نماید. رأی دادگاه در خصوص اتهام انتسابی به متهمان با توجه به دلایل ذیل: ۱. شکایت بی شائبه شکات، ۲. اقرار متهم ابوذر به آتش زدن خودروی متعلق به پدر زن فرهاد با ریختن بنزین به کیفیتی که در گردشکار تشریح

گردید با انداختن گالن بنزین به زیر پاک خودروی سمند، ۳. تحریق منتهی به جنایت و خسارت را نمی توان صرفا به فعل ابوذر مستند دانست و صرفا او را سبب تلف شدن افراد محسوب نمود. زیرا که اولاً فرهاد ضمن برانگیختن ابوذر به این کار، او را با خودروی خود به سعادت اباد برده، منزل پدرزنش را نشان داده، مشخصات دقیق خودرو را به او داده، نحوه ورود و خروج از پارکینگ را گفته، گالن بنزین را پر کرده و در صندوق عقب خودرو گذاشته و پس از تحریق ابوذر را در نزدیکی ساختمان محل جنایت سوار کرده و به منزل خود برده است و عدم حضورش در لحظه تحریق صرفا برای شناسایی نشدن توسط ساکنان ساختمان بوده است. بعد از منصرف شدن ابوذر از آتش زدن خودرو او را به این کار واداشته است. ضمن اینکه این اظهارات ابوذر که گفته پس از قرار دادن گالن بنزین بین شمشاد ها و رفتن به منزل خواهرش از آتش زدن خودرو منصرف شده بوده اما فرهاد به او تلفن زده و گفته می دانستم تو هم عرضه کار را نداری، دوباره به محل رفته اند، مقرون به واقعیت بنظر می رسد زیرا او نه خصومتی با صاحب خودرو داشته و نه داعیه وانگیزه ای برای این کار و نه نفعی به وی می رسیده است و طبیعی است که در فرض غلیان احساسات با شنیدن دردللهای فرهاد در شب اول، بعد از رفتن به منزل خواهرش این احساسات فروکش کند و انگیزه آتش زدن را از دست بدهد. افزون بر این اظهارات پدرزن فرهاد، لایحه تقدیمی وی و اظهارات همسایگان حکایت از آن دارد که فرهاد بارها به محل سکونت پدرزنش مراجعه و آنان را تهدید یا حرفهای تهدید آمیز نوشته و به درب ساختمان محل سکونت پدرزنش الصاق می کرده است، پس از جنایت نیز فرهاد در حین فرار دستگیر شده است. بنابراین به اعتقاد دادگاه حادثه قابل انتساب به هر دو متهم است و جنایت مستند به فعل هر دو نفر می باشد. رابطه سببیت میان فعل هر دو متهم و نتیجه حاصله برقرار است و اجتماع اسباب در مانحن فیه از مصادیق اشتراک در جنایت است و بالمال چون متهمان هر دو در وقوع جنایت نقش داشته اند بنابراین هر دو ضامن خواهند بود. ضمن اینکه به اعتقاد دادگاه چون در نصوص فقهی و متون حقوقی میان تسبیب و

معاونت قائل به رابطه عموم و خصوص من وجه می باشند و حتی برخی معاونت را نوعی تسبیب می دانند در نتیجه تسبیب در جنایت به نحو اشتراک منافاتی با معاونت متهم ردیف دوم در تحریق ندارد. در دادسرا در قرار جلب به دادرسی جنایت ارتكابی متهم ردیف اول از مصادیق بند پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی دانسته شده ولی در کیفرخواست صادره اتهام این متهم منطبق باین ماده ۲۹۰ قانون محسوب گردیده است لیکن به اعتقاد دادگاه چون اقدام متهمان به صورت غیر مستقیم موجب جنایت گردیده و متهمان نیز نسبت به مجنی علیه متعینی دست به این اقدام نزده اند بلکه قصد متهمان فقط آتش زدن خودرو بوده است و با توجه به تعریفی که فقها و حقوقدانان از تسبیب بدست داده اند و معتقدند سبب جرم، عاملی است که به شکل غیر مستقیم، واسطه حصول نتیجه مجرمانه می شود به نحوی که اگر آن سبب نمی بود، نتیجه مجرمانه نیز محقق نمی گشت (برای نمونه یک: محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۷ ص ۵۷ و دکتر ناصر کاتوزیان، الزامهای خارج از قرار داد، دانشگاه تهران، ص ۴۶۱). بنابراین اقدام متهمان از مصادیق مواد ۵۰۶ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی می باشد. از آنجا که نقش متهم ردیف اول مترتب بر نقش و تاثیر متهم ردیف دوم است و تاثیر غیرمستقیم متهمان در حصول نتیجه مجرمانه به هیچ وجه قابل انتزاع و انفکاک از هم نمی باشد بنابراین دادگاه مسئولیت متهم ردیف دوم را تسبیب به نحو مشارکت می داند. ۴. دادگاه با بلاوجه دانستن انکار بعدی متهم ردیف دوم و موثر در مقام ندانستن دفاعیات وکلای متهمان، با توجه به نظریات کارشناسی اخذ شده اعم از پزشکی قانونی و سازمان آتش نشانی، عکس های تهیه شده از صحنه، نتیجه بازبینی فیلم دوربین های مدار بسته و سایر قرائن و امارات موجود، صورتجلسه مواجهه حضوری میان متهم فرهاد و سرایدار ساختمان محل حریق که برغم انکار متهم گفته وی را حوالی ساعت ۳۰/۱۸ مورخه ۲۶/۱۱/۹۲ در حالیکه داخل خودروی سفید رنگ نشسته بوده دیده است، صورتجلسه دستگیری متهم فرهاد در حین فرار بایک کوله پشتی و اقلامی که داخل

کوله پشتی وی بوده است. اتهامات متهمان را محرز و مسجل می داند و به استناد مواد ۱۶، ۵۳۳، ۴۸، ۴۹، ۴۶۲، ۴۸۸، ۳۵۱، ۳۵۹، ۵۵۰، ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۳۴ و تبصره ۱ آن و ماده ۶۷۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، متهمان ابوذر و فرهاد را از بابت مشارکت در تسبیب قتل غیر عمد مرحومین معصومه رضایی و سونا بخشی به پرداخت یک فقره نصف دیه کامل در حق اولیای دم هریک از مرحومان شامل یک فقره نصف دیه در حق اولیای دم معصومه رضایی و یک فقره نصف دیه در حق اولیای دم سونا بخشی به صورت مشترک، همچنین نامبردگان را به پرداخت یک فقره دیه کامل در حق اولیای دم احد جعفری به صورت مشترک، متهم ابوذر را به نه فقره تحمل چهار سال و نیم، چهار سال و شش ماه حبس تعزیری بابت تحریق اموال شکات با بیان این توضیح که از میان نه تن شکات نامبرده شده در کیفرخواست فرامرزی صادقی با حضور در دادگاه شکایت خود را عنوان نموده و شکایت سایرین نیز در پرونده منعکس است و اینکه دلیل و مدرکی بر عدول و انصراف آنان از شکایت وجود ندارد، محکوم می نماید. دادگاه همچنین متهم فرهاد را با مراعات بندت ماده ۱۲۷ مجازات اسلامی و ماده ۱۳۴ آن و ماده ۱۹ قانون مرقوم از بابت معاونت در تحریق عمدی اموال شکات به تحمل نه فقره سه سال حبس تعزیری از بابت نگهداری مشروب الکلی بالحاظ نمونه صورتجلسه کشف مشروب الکلی به استناد ماده ۷۰۲ قانون تعزیرات به تحمل نه ماه حبس تعزیری و از جهت نگهداری اسپری اشک آور به استناد مواد ۳ و ۱۲ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز به تحمل سه سال حبس محکوم می نماید. در اجرای ماده ۱۸ قانون مذکور مقرر می نماید اسپری موصوف ضبط و تحویل وزارت دفاع گردد. در اجرای مواد ۲۷ و ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، ایام بازداشت قبلی از کیفرهای تعزیری متهمین کسر و از میان مجازاتهای تعزیری مجازات اشد اجرا خواهد شد. دادگاه باتوجه به استدلال مرقوم در متن رای چون موضوع را خارج از مصادیق قتل عمد می داند بنابراین به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری متهم ردیف اول را از سه فقره

قتل عمد و متهم ردیف دوم را از سه فقره معاونت در قتل عمد تبرئه می نماید. رای صادره حضوری بوده و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل فرجام خواهی در دیوان محترم عالی کشور است. نظریه اقلیت دادگاه به شرح آتی است: ملاحظه می گردد در جریان برگزاری جلسه دادرسی مورخ ۱۲/۶/۹۷ این دادگاه بین اعضاء هیئت حاکمه دادگاه از حیث مباشرت در قتل و تسبیب اختلاف نظر حاصل گردید و اینجانب امضاء کننده ذیل بعنوان عضو اقلیت اعتقاد دارم باینکه متهم ردیف اول مباشرت در قتل عمدی سه نفر و متهم ردیف دوم معاونت در قتل دارند. به عقیده اینجانب به استناد بند ب از ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نامبردگان عمداکاری انجام داده اند که نوعا موجب جنایت و کشته شده بوده است. سپس با درخواست تخفیف در مجازات ابوذر ف اسحاق و فرهاد ف اکبر هر دو مستقر در زندان رجایی شهر به جهت تسلیم به رای، دادنامه ذیل صادر گردید: در خصوص درخواست محکوم علیهما فرهاد فرزند اکبر و ابوذر فرزند اسحاق که با اسقاط حق تجدیدنظر خواهی خود نسبت به دادنامه شماره ۱۸۳ ۹۷۰ مورخ ۲۱/۶/۹۷ صادره از سوی این شعبه در مهلت مقرر و پیش از پایان مهلت تجدید نظر خواهی، تقاضای تخفیف در مجازات را نموده، نظر به اینکه برابر اوراق و محتویات پرونده، دادستان نیز از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده اند و سایر شرایط مقرر در ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز فراهم است؛ بنابراین دادگاه درخواست محکوم علیه را قابل اجابت می داند و در اجرای ماده مذکور به میزان سه ماه از مجازات اشد قابل اجرای هر یک از محکوم علیهما تعیین شده را کسر مینماید. رای صادره قطعی است. مقرر است دفتر آمار کسر و به اجرای احکام ارسال گردد. و پرونده با ردیف فرعی ۳ با علت طرح رسیدگی بدوی نسبت به اتهامات استعمال مواد مخدر و نگهداری مواد روان گردان در مجتمع دادگاههای انقلاب اسلامی شهر تهران به تاریخ ۱۳/۰۹/۱۳۹۶ ثبت گردید و با شماره بایگانی ۹۶۰۷۵۲ به شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب اسلامی تهران ارجاع و طی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۶۲۴۰۱۳۰۱ مورخ ۲۱/۰۹/۱۳۹۶ حکم

محکومیت صادر شد. متن رای بدین شرح است: در خصوص اتهام آقای فرهاد فرزند علی اکبر دایر بر نگهداری ۵۰ سانت شیشه، با توجه به محتویات پرونده و کیفرخواست تقدیمی و اقرار متهم و سایر قرائن و شواهد اتهام نامبرده محرز و مسلم است: و مستندا به بند ۲ ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر از حیث نگهداری مواد مکشوفه به پرداخت مبلغ شش میلیون ریال جریمه نقدی و تحمل هفتاد ضربه شلاق محکوم می نمایند. در خصوص اتهام آقای ابوذر فرزند اسحاق دایر بر نگهداری و استعمال شیشه، با توجه به محتویات پرونده و کیفرخواست تقدیمی و اقرار متهم و سایر قرائن و شواهد اتهام نامبرده محرز و مسلم است: و مستندا به بند ۲ ماده ۱۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و از حیث استعمال شیشه به پرداخت مبلغ ده میلیون ریال جریمه نقدی و تحمل هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می نمایند. با فرجام خواهی آقای حسین مقصودی احد از شاکیان و نیز آقایان دکتر علیرضا سایبانی و حامد الوندی وکلای اولیای دم مرحوم احد جعفری از دادنامه شماره ۶۱۷۷۰۰۱۸۰ صادره از شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران در تاریخ ۱۳/۰۹/۱۳۹۷ با ردیف فرعی ۶ در شعبه بیستم دیوان عالی کشور ثبت گردید و طی شماره ۹۷۰۹۹۷۲۶۱۷۷۰۰۲۰۱ مورخ ۳/۰۷/۱۳۹۷ رای صادر شد. متن رای بدین شرح است رای دیوان: فرجام خواهی اولیاء دم مرحوم احد جعفری با وکالت آقایان دکتر علیرضا سایبانی و حامد الوندی نسبت به دادنامه شماره ۶۱۷۷۰۰۱۸۰- ۲۱/۶/۱۳۹۷ صادره از شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران وارد می باشد. زیرا اولاً: متهم دارای تحصیلات مهندسی متالورژی بوده، ثانیاً؛ از اعمال و رفتار فیزیکی و اقرار مشارالیه در دادگاه کاملاً احراز می گردد که نامبرده به آثار و عواقب عمل ارتكابی خود مطلع بوده، زیرا؛ پس از این که موفق گردیده به محل پارکینگ ساختمان وارد شود. به گفته خودش پس از آغشته نمودن لاستیک های چرخ های ماشین سواری سمند سفید رنگ که متعلق به پدر همسر متهم ردیف دوم بوده دبه بنزین را زیر باک آن گذاشته و چون از آثار مخرب و خطرات و نتیجه بعد از آتش سوزی اطلاع داشته با ایجاد یک خط بنزین تا بیرون و به

آتش زدن آن مبادرت به این جنایت نموده است. ثالثاً؛ وی در دادگاه گفته است فکر می‌کردم کسی می‌آید و باکپسول آتش نشانی آتش را خاموش می‌کند و در پاسخ سؤال دادگاه این که از کجا می‌دانستی که در لحظه حادثه ساکنان در داخل ساختمان هستند و یا به سرعت متوجه آتش سوزی می‌شوند آن هم این که حادثه در طبقه منفی یک اتفاق افتاده است جواب داده از تردد خودروها متوجه شدم سکنه دارد مضاف بر این مشارالیه در پاسخ سؤال دیگر دادگاه که انگیزه ات چه بود گفته است فقط می‌خواستیم پدر زن فرهاد بترسد اگر یکی می‌آمد خاموش می‌کرد این اتفاق نمی‌افتاد و از طرفی دیگر ممکن بود کل ساختمان آتش بگیرد و همه ما از بین برویم این از شانس ما بوده است. رابعاً: برای هر فرد عادی و برخوردار از سلامت فکری - ذهنی و هوشی معمول مکشوف است که آثار مخرب و ویرانگر یک دبه پراز بنزین و گذاشتن آن در زیر باک ماشین سواری سمند که در کمترین و بدبینانه ترین حالت باید حاوی چندین لیتر بنزین دیگر باشد و انفجار ناشی از آن، آن هم در محیط سربسته و طبقه منفی یک ساختمانی که تعداد زیادی از خانواده‌ها در آن زندگی می‌کنند چه می‌تواند باشد خاصه آن که متهم ابوذر فردی دارای تحصیلات متالورژی بوده است. بنا بر مراتب و محتویات پرونده اتهام متهمان به ترتیب ابوذر مباشرت در قتل و دومی فرهاد معاونت در بزه قتل می‌باشد و همان طوری که عضو محترم اقلیت (مستشار دادگاه) در رأی خود آورده اند موضوع از مصادیق بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بوده و نامبردگان عملاکاری را انجام داده اند که نوعاً موجب جنایت و کشنده بوده و آگاهی و توجه اجمالی نیز به نتایج اقدامات مجرمانه خود داشته اند بنا بر مراتب به استناد بند ۴ شق ب ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ دادنامه صادره نقض و رسیدگی به موضوع را به شعبه دیگر دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع می‌نماید. به علاوه فرجامخواهی آقای حسن مقصودی نسبت به استناد دادگاه به ماده ۶۷۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵ نیز موجه به نظر می‌رسد زیرا عمل متهمان منطبق با ماده ۶۷۵

قانون مرقوم بوده که مجازات قانونی آن از دو تا پنج سال حبس تعیین گردیده و موضوع از ماده استنادی دادگاه مفروغ عنه تلقی می گردد لذا با استناد به بند ۴ شق ب ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ نقض و رسیدگی را به شعبه هم عرض ارجاع می نماید و درباره سایر شقوق فرجامخواهی هم نامبرده مذکور با توجه به این که کیفیت شروع به رسیدگی در دادگاه های کیفری حسب مواد ۳۳۵ و ۳۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با کیفرخواست می باشد که چنین اتهاماتی در کیفرخواست ذکر نگردیده لذا به استناد بند الف ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری به رد فرجامخواهی در این قسمت اظهار نظر می گردد. به علاوه متذکر می شود که آقای حسن مقصودی در لایحه فرجامخواهی خود به شرح صفه ۸۹۰ پرونده مرقوم داشته که حادثه مقتول دیگری نیز داشته که به علت فوت مادرشان و این که فرزند شهید بوده و عدم شناسایی ورثه، حکمی در دادگاه صادر نگردیده بنا بر مراتب نظر دادگاه محترم رسیدگی کننده را به این موضوع و انجام و اقدامات قانونی لازم جلب می نماید. در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۳ با ردیف فرعی ۷ در شعبه ۴ دادگاه کیفری یک مجتمع دادگاههای کیفری ۱ تهران (شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان سابق) ثبت و طی تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۰۰۳۲۵۳۰۰۲۲۵۳۰۰۹۹۷۰۹۹۰ - ۱۴/۰۳/۱۳۹۶ فرار بازداشت موقت آقای ابوذر فرزند اسحاق متهم به قتل عمدی مرحومان معصومه رضایی "سونا بخش چروده - احد جعفری و تحریق عمدی موضوع شکایت شکات به شرح مندرج در کیفرخواست در پرونده کلاسه پیوست. با توجه به دلایل موجود و به لحاظ نوع اتهامات و همچنین بیم فرار و مخفی شدن متهم مستندا به مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری صادر و اعلام و طی تصمیم نهایی شماره ۹۷، ۰۰۳۲۵۳۰۰۳۲۵۳۰۰۹۸۰ - ۱۶/۰۴/۱۳۸۸ با توجه به ایرادات گرفته شده از سوی دیوانعالی کشور و نیاز به تحقیقات، دفتر، پرونده از آمارکسر و به دادسرای مربوطه ارسال گردید. و با ردیف فرعی ۸ در مجتمع قضایی بعثت تهران - شعب دادگاه به تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۰۵ ثبت گردید و با شماره بایگانی ۹۹۰۰۳۵۶ به شعبه ۱۱۴۶ دادگاه کیفری دو

مجتمع قضایی بعثت تهران (۱۱۴۶ جزایی سابق) ارجاع و طی شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۱۱۱۰۰۵۸۹ مورخ ۱۸/۰۶/۱۳۹۶ با تعیین مرجع صالح درباره حدوث اختلاف عقیده قضایی بین بازپرس محترم شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۷. تهران و دادیار محترم اظهار نظر که در موضوع معنونه باز پرس محترم عقیده به صدور قرار جلب به دادرسی به اتهام تسبیب در قتل عمدی و دادیار محترم عقیده به صدور قرار جلب دادرسی به اتهام تسبیب در قتل شبه عمد دارند با توجه به محتویات و اوراق پرونده و ملاحظه استدلالهای قضات محترم دادسرا، دادگاه با اعتقاد به صحت دادرسی بیشتر به اینکه قصد متهمان آتش سوزی بوده نه فوت مرحوم با نظریه دادیار گرامی اظهار نظر مبنی بر شبهه عمدی بودن قتل مرحوم محمدرضا یوسفی، هم عقیده بوده و با تأیید نظریه ایشان بدین سان، با توجه به اینکه مرحوم بر اثر آتش سوزی فوت نموده و دلیل مستقیم فوت وی آتش سوزی نیست حل اختلاف شد.

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ابوذر فرزند اسحاق دایر بر قتل عمدی مرحومان خانم معصومه رضایی فرزند محمدرضا و خانم سونا بخشی چروده فرزند علی، امان و آقای احد جعفری فرزند اسداله و آقای محمدرضا یوسفی و اتهام آقای فرهاد فرزند اکبر دایر بر معاونت در قتل عمدی به شرحی که تفصیلاً در گردش کار و بازگویی رای شماره ۹۷۰۹۹۷۲۶۱۷۷۰۰۲۸۵ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۹۷

شعبه محترم ۱۰ دادگاه کیفری یک مجتمع دادگاههای کیفری ۱ تهران (شعبه ۸۴ دادگاه کیفری استان سابق) و رای شماره ۹۷۰۹۹۷۲۶۱۷۷۰۰۲۰۱ مورخ ۰۳/۰۷/۱۳۹۷ شعبه محترم بیستم دیوان عالی کشور آمده است و دفاعیات متهمان و وکلای آنان در این دادگاه و اظهار اینکه هیچ گونه قصد ایراد صدمه به دیگری تا چه رسد به قتل را نداشتند و اینکه کشته شدن مرحومان یاد شده (رحمه الله) که تاسف بار بوده، ناشی از سرایت آتش سوزی از لاستیک به خودرو و خودروی مجاور و در نهایت گاز حاصل از آتش سوزی می باشد که برای متهمان و نیز عرفاً غیر قابل پیش بینی و از دایره علم و حتی تصور متهمان

که اتفاقاً بستگان خودشان نیز در آنجا ساکن بودند، خارج می‌باشد، و در فقه انور اسلام نیز بر اعمال قاعده بنیادی و محکم درء در مواردی که نوع قتل مجمل و مشتبه است، تاکید مضاعفی شده است بگونه ای که در قرآن حکیم در بیان قتل عمد صریحا و من باب تاکید کلمه متعمدا ذکر گردیده است که دقیق تر از عبارت عمد می‌باشد لذا به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری متهم ردیف اول را از چهار فقره قتل عمد و متهم ردیف دوم را از چهار فقره معاونت در قتل عمد تبرئه می نماید. لکن اتهام متهمان یاد شده مبنی بر چهار فقره قتل شبه عمد مرحومان معصومه رضایی فرزند محمدرضا و خانم سونا بخشی چروده فرزند علی امان و احد جعفری فرزند اسد اله و مرحوم محمدرضا یوسفی اولی به نحو مباشرت و دومی بنابر تسبیب به نحو تناصف محرز است چراکه با توجه به مقدار تاثیر و نقش فرهاد در وقوع جرم و اینکه وی در واقع موتور محرک ارتکاب جرم تحریق بوده که به سبب آن قتلها حادث گردیده گرچه به ظاهر با مباشرت ابوذر واقع شده و نامبرده اخیر هیچ گونه انگیزه ای جز اجرای نقشه و دستور فرهاد را در تحریق خودرویی که متعلق به پدرزنش است، نداشته و کل مراحل ارتکاب جرم با تحریک پیوسته و حضور آقای فرهاد و کشاندن آقای ابوذر به صحنه جرم بوده و از طرفی عدالت و وجدان که اساس و مبنای اتخاذ تصمیم و صدور رای می‌باشد، نیز موید این نوع برداشت و استنباط می‌باشد لذا متهمان مشترکا و به نحو تناصف با توجه به درخواست اولیاء دم در پاسخ سوال دادگاه مبنی بر اینکه چنانچه موضوع غیر عمد تشخیص داده شود مطالبه دیه دارند، مستندا به مواد ۵۲۶ و ۴۵۰ و ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی به پرداخت یک فقره نصف دیه کامل در حق اولیای دم معصومه رضایی و یک فقره نصف دیه کامل در حق اولیای دم سونا بخشی و پرداخت یک فقره دیه کامل در حق اولیای دم احد جعفری و یک فقره دیه کامل در حق اولیای دم مرحوم محمدرضا یوسفی محکوم میشوند و از آنجا که این نوع قتل از مصادیق بارزی مبالغه و مشمول ماده ۶۱۶ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی می باشد متهمان به تحمل ۳ سال حبس تعزیری

محکوم میگردد و آقای ابوذر بابت تحریق عمدی خودروهایی شاکیان مستنداً به ماده ۶۷۵ قانون مذکور به تحمل یک فقره ۶ سال حبس تعزیری و فرهاد را با مراعات بندت ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۳۴ آن و ماده ۱۹ قانون مرقوم بابت معاونت در تحریق عمدی به تحمل یک فقره یک سال حبس تعزیری و بابت نگهداری مشروبات الکلی به استناد ماده ۷۲ قانون تعزیرات به تحمل یک سال و نیم حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و از جهت نگهداری اسپری اشک آور به استناد ماده ۳ و ۱۲ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز به تحمل دو سال حبس محکوم می نماید اسپری فوق ضبط و تحویل وزارت دفاع گردد در اجرای مواد ۲۷ و ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، ایام بازداشت قبلی از کیفرهای تعزیری متهمین کسر و از میان مجازاتهای تعزیری مجازات اشد اجرا خواهد شد و در مرحله اجرا مجازات اشد همراه محکومیت پرداخت دیه اجرا خواهد شد رای صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل فرجام خواهی در دیوان محترم عالی کشور می باشد.

پرونده با فرجام خواهی معاون محترم دادستان و سرپرست دادسرای ناحیه ۲۷ به شعبه محترم بیست دیوان عالی کشور ارجاع و چنین رای می دهد:

در خصوص فرجام خواهی معاون محترم دادستان و سرپرست ناحیه ۲۷ امور جنایی - ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب تهران نسبت به آن قسمت از دادنامه شماره ۳۰۰۴۳۳-۹۹ مورخ ۱۶/۹/۱۳۹۶ شعبه چهارم دادگاه کیفری یک تهران که به موجب آن متهمان آقایان ۱- ابوذر فرزند اسحاق از اتهامات قتل عمدی مرحومان معصومه رضایی فرزند محمدرضا و خانم سونا بخشی چروده فرزند علی امان و آقای احد جعفری فرزند اسداله و آقای محمدرضا یوسفی ۲- فرهاد فرزند اکبر از اتهام معاونت در قتل عمدی مرحومان فوق الذکر تبرئه گردیده اند و به اتهام قتل شبه عمدی به پرداخت دیه و حبس تعزیری محکوم گردیده اند و اولیای دم مقتولان از حیث برائت متهمان از اتهام قتل عمدی فرجام خواهی نکرده اند، نظر به اینکه فرجام خواهی به عمل آمده با هیچ یک

از جهات مقرر در ماده ۴۶۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قابل انطباق نبوده و دادگاه با رعایت تشریفات قانونی نسبت به موضوع رسیدگی و مطابق قانون انشاء رأی نموده است و از جانب فرجام خواه ایراد و اعتراض مؤثری که موجب نقض دادنامه و خدشه به تشخیص نوع قتل گردد به عمل نیامده است لذا مستندا به بند الف ماده ۴۶۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضمن رد فرجام خواهی به عمل آمده، دادنامه فرجام خواسته را در قسمت فرجام خواهی صورت گرفته ابرام می نماید.

### ۲-۳-۲- تحلیل رای مذکور طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

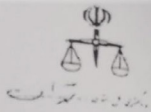
برای اولین بار است که مقنن در جایی که دو یا چند عامل سبب بروز و ورود خسارت شده اند و نقش هر یک با دیگری متفاوت است به ضمان سهمی طبق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی اشاره کرده است<sup>۱</sup> و در دادنامه فوق ماده مذکور کاملا مورد توجه قرار گرفته است و هر دو نفر را علی رغم اینکه در کیفرخواست به عنوان مباشر و معاون قتل عمد قلمداد نموده بود شریک در قتل شبه عمد در نظر گرفته و علیه ایشان حکم صادر می گردد و حکم مذکور در دیوان عالی کشور ابرام می گردد.

۱. دکتر ناصر کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد، دانشگاه تهران، ص ۴۶۱

### برآمد

با اصلاح قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ مسوولیت توزیعی و ضمان سهمی پذیرفته شد که هرگاه جنایت قابلیت استناد به سبب و مباشر را داشته باشد هرکدام به میزان سهمشان ضامن هستند و اینکه نظر مشهور فقها پذیرش اصالت مسوولیت مباشر بود نادیده انگاشته شد هر چند از دید فقها نیز اصل انحصاری ضمان مباشر برداشت نمی شد.

از طرفی صرف اقوی بودن سبب از مباشر مسوولیت انحصاری سبب و استناد جنایت به سبب را نمی رساند که مباشر را نادیده انگاریم.



باسمه تعالی

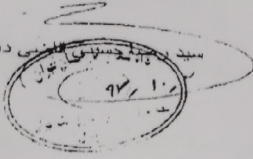
محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (حفظه الله تعالی)

سلام علیکم


احتراما باستحضار عالی می رسانم در صورت اجتماع سبب و مباشر در صورتیکه فعلی به هر دو منتهب باشد میزان مشارکت هر کدام به ترتیب حسب گواهی پزشکی قانونی ۷۰ درصد جنایت وارده توسط مباشر و ۳۰ درصد بیماری و کهرلت سن مجنی علیه باشد آیا از نظر فقهی می توان به تناسب مسوولیت ایشان را محکوم نمود؟ (همانطور که مستحضرید قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بحث ضمان نسبی را در ماده ۵۲۶ پذیرفته است). ضمنا آیا در بین فقهای عظام مجر از جنابعالی و مرحوم حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، (فقهای عظام قدیم خاصا) ضمان نسبی در اجتماع سبب و مباشر قایلی دارد؟ (ضمنا دو مورد از استفتائات جنابعالی پیوست است).

با تشکر

سید محمدجواد حسینی  
دانشگاه کیفری یک تهران



شماره ۳ / پاییز ۱۴۰۴



مهرماه ۱۴۰۴

## منابع

- بجنوردی سید میرزا. *القواعد الفقهیه*، ج ۲  
حاجی ده آبادی احمد مقاله تغییرات قاعده اجتماع سبب و مباشر، *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۱۶، شماره ۱، سال ۹۸  
حسینی سیدرضا، دادنامه شماره ۹۹۹۹۷۰۴۲۵۳۰۰۴۲ اصداری از شعبه تحت تصدی نگارنده مقاله حاضر  
خمینی روح الله، *تحریر الوسیله*، ج ۲، قم: دارالعلم، بی تا  
خویی سید ابوالقاسم، *مبانی تکمله المنهاج*، قم: موسسه احیاء آثار الامام خویی ج ۴۱ و ۴۲  
دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۹۹۹۷۰۴۲۵۳۰۰۴۲  
کاتوزیان، نامه، *الزامهای خارج از قرار داد*، دانشگاه تهران  
مکارم شیرازی، نامه، استفتاء شماره ۶۳۳۰۱۸ توسط نگارنده از ایشان سال ۱۳۹۷  
نجفی محمدحسن، *جواهر الکلام*، چاپ ۷، دار احیاء التراث الاسلامی  
هاشمی سید حسین، *مقاله تسبیب چاپ شده در دایره المعارف علوم جنایی*، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی